رمضان مبارک و

فضایل آن

**تتبع و نگارش:  
امین الدین سعیدی – سعید افغانی**

**«مدیر مركز مطالعات ستراتیژیک افغان و مسؤل مرکز کلتوری دحق لاره- جرمنی»**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | رمضان مبارک و فضایل آن | | | |
| **تتبع و نگارش:** | امین الدین سعیدی – سعید افغانی | | | |
| **مترجم:** |  | | | |
| **موضوع:** | فقه و اصول – احکام عبادات (نماز، روزه، زکات و حج) | | | |
| **نوبت انتشار:** | اول (دیجیتال) | | | |
| **تاریخ انتشار:** | آبان (عقرب) 1394شمسی، 1436 هجری | | | |
| **منبع:** |  | | | |
|  |  | | | |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.**  **www.aqeedeh.com** | | | |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** | | | |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** | | | | |
| www.mowahedin.com  www.videofarsi.com  www.zekr.tv  www.mowahed.com | |  | www.aqeedeh.com  www.islamtxt.com  [www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)  www.sadaislam.com | |
|  | |  | | |
|  | | | | |
| contact@mowahedin.com | | | | |

بسم الله الرحمن الرحیم

**فهرست مطالب**

[**فهرست مطالب** ‌أ](#_Toc434867931)

[پیشگفتار 1](#_Toc434867932)

[رمضان مبارک و فضایل آن 3](#_Toc434867933)

[روزه و صحت: 3](#_Toc434867934)

[معالجه امراض چشم: 7](#_Toc434867935)

[فواید طبى روزه: 7](#_Toc434867936)

[ماه مبارک رمضان داراى فضایلى است که به برخى آن اشاره مى‌شود 8](#_Toc434867937)

[حفظ و صیانت ماه رمضان: 9](#_Toc434867938)

[خوشحالى‌هاى ماه مبارک رمضان: 9](#_Toc434867939)

[معناى لغوى روزه: 10](#_Toc434867940)

[حکمت و فلسفه فرضیت روزه: 10](#_Toc434867941)

[حکم فرضیت روزه: 11](#_Toc434867942)

[هدف روزه: 13](#_Toc434867943)

[روزه حقیقى: 13](#_Toc434867944)

[وقت فرضیت ماه مبارک رمضان: 13](#_Toc434867945)

[دعاى دیدن ماه: 15](#_Toc434867946)

[اقسام روزه: 16](#_Toc434867947)

[شش روز شوال: 16](#_Toc434867948)

[روز عرفه براى غیر حاجی و روز عاشورا و روز قبل از آن: 17](#_Toc434867949)

[گرفتن روزه در ماه محرم: 18](#_Toc434867950)

[اکثر روز‌های ماه شعبان: 18](#_Toc434867951)

[روز‌هاى دوشنبه و پنجشنبه: 19](#_Toc434867952)

[روزه‌هاى ممنوعه: 19](#_Toc434867953)

[حکم روزه نفلى براى زن شوهردار: 20](#_Toc434867954)

[روزه مکروه: 20](#_Toc434867955)

[روزه حرام: 20](#_Toc434867956)

[روزه بر کى فرض است؟ 22](#_Toc434867957)

[مفهوم شرط بلو غ: 22](#_Toc434867958)

[مفهوم شرط قادر بودن: 22](#_Toc434867959)

[امراض: 23](#_Toc434867960)

[شیخوخت و یا کبر سن: 23](#_Toc434867961)

[مجاهد: 24](#_Toc434867962)

[مسافر: 24](#_Toc434867963)

[حمل: 25](#_Toc434867964)

[ارضاع: 26](#_Toc434867965)

[حائض و نفاس: 26](#_Toc434867966)

[شدت گرسنگى و تشنگى: 27](#_Toc434867967)

[ترس از هلاکت: 28](#_Toc434867968)

[بى‌هوشى: 28](#_Toc434867969)

[جنون: 28](#_Toc434867970)

[حالاتى که شکستن روزه در آن‌ها جایز است: 29](#_Toc434867971)

[شروط روزه: 29](#_Toc434867972)

[فرایض روزه: 30](#_Toc434867973)

[سنن و مستحات روزه: 31](#_Toc434867974)

[وقت روزه: 31](#_Toc434867975)

[سحرى «پس شب» و ا فطار: 32](#_Toc434867976)

[دعاى افطار: 33](#_Toc434867977)

[دعا بعد از افطار: 33](#_Toc434867978)

[ثواب افطار دادن: 33](#_Toc434867979)

[امور باطل کننده روزه: 33](#_Toc434867980)

[.مکروهات روزه: 34](#_Toc434867981)

[قضاء روزه: 34](#_Toc434867982)

[کفاره چیست؟ 35](#_Toc434867983)

[فدیه: 35](#_Toc434867984)

[مقدار طعام واجب: 36](#_Toc434867985)

[مساوات میان «گناه» و کفاره یا جزاء: 37](#_Toc434867986)

[لیلة القدر: 38](#_Toc434867987)

[معناى قدر: 38](#_Toc434867988)

[لیلة القدر درکدام یکى از شب‌هاى رمضان می‌باشد: 39](#_Toc434867989)

[دعاى لیلة القدر: 39](#_Toc434867990)

[ارمغان‌هاى رمضان: 39](#_Toc434867991)

[اهمیت روزه در تناسب با نماز: 40](#_Toc434867992)

[فلسفه و حکمت فرضیت سى روز روزه در یک سال: 40](#_Toc434867993)

[پیام رمضان به روزه‌داران: 41](#_Toc434867994)

[انصراف از تصمیم روزه: 42](#_Toc434867995)

[اهانت و توهین به روزه: 42](#_Toc434867996)

[استعمال سرمه و قطره چکان: 42](#_Toc434867997)

[زرق یا پیچکارى: 43](#_Toc434867998)

[حجامت: 44](#_Toc434867999)

[غسل جنابت و یا غسل تبرد: 44](#_Toc434868000)

[حکم بوسه کردن در روزه: 45](#_Toc434868001)

پیشگفتار

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُتِبَ عَلَيۡكُمُ ٱلصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ ١٨٣﴾ [البقرة: 183].

«اى مؤمنان، روزه بر شما مقرر شده است، چنان که بر پیشینیانتان مقرر شده بود، باشد که تقوى پیشه کنید».

چهارده قرن قبل پیامبر اسلام حضرت محمد ص اعلام داشت: «صُومُوا تَصِحُّوا» «روزه بگیرید تا صحتمند شوید». پیغمبر اسلام فرموده است: «معده محل هر درد است: از پر خورى و خوردن غذا نا مناسب جلوگیرى کنید. این عمل شما شفاء بخش همه درد‌ها و امراض بشمار می‌رود» . طبق روایات تاریخی روزه نه تنها در بشریت مروج و معمول است، بلکه علماى حیوان شناسى بر این عقیده‌اند که: حتى حیوانات هم از روى غریزه خدادادگى برخى از اوقات روزه می‌گیرند. از جمله حیوانات درنده از قبیل شیر و پلنگ و ببر، علماء می‌گویند که: این حیوانات در هفته یک روز از خوردن هر گونه غذا خود دارى می‌نمایند.

رمضان مبارک و فضایل آن

روزه و صحت:

طب بشرى امروز بعد از چهادره قرن متوجه شد که روزه بسیارى از امراض را تداوى و معالجه می‌نماید، بدین اساس در بسیارى از کشور‌ها آغاز به تأسیس کلینک‌هاى روزه دارى نموده‌اند. روزه نه تنها بر روح و روان و اخلاق انسان تاثیر می‌گذارد بلکه موجب زیبایى جسمى انسان هم می‌گردد. طب قدیم هم در زیاتر از اوقات مریضان خویش را به امساک از پر خورى منع نموده و به این امر معتقد بود که تقلیل در پر خورى مانع دفع بسیارى از امراض در وجود انسان می‌‌گردد. طب جدید هم بر این امر معتقد است که امساک و روزه در جلوگیرى بسیارى از امراض مؤثر است صرف نام آن‌را (رژیم غذایی گذاشتند) که ما مسلمانان آن‌را به روزه مسمى نموده‌ایم. دوکتوران روزه را یکى از بهترین عوامل صحتمندى بشرى شمرده‌اند. 1- پرفیسور دوکتور پوشر دانشمند فرانسوى مى‌گوید: (روزه بهترین وسیله براى صحت وسلامتى وجود انسان بشمار می‌رود) روزه براى صحت انسان است، روزه براى استراحت معده، روده و منظم کردن ترشحات معدوى و در نهایت براى منظم ساختن هاضمه مفید و مؤثر می‌باشد. روزه معالجه و تداوى است که از آن فقیر و سرمایه دار بطور مساویانه می‌تواند استفاده بعمل آرد. 2- داکتر الکسیس کارل می‌گوید: (با روزه گرفتن قند در جگر مى‌ریزد و چربی‌هایى که در زیر پوست ذخیره شده‌اند، پروتین‌هاى عضلات و غدد، و سلول‌هاى کیسه صفرا، آزاد شده به مصرف تغذیه می‌رسند). 3- داکتر ژان فروموزان: (معالجه با روزه را به شتشوى احشاء تعبیر نموده و می‌گوید: در آغاز روزه، زبان انسان کمى سنگین و بو دار است ... که بعد از سه، چهار روز بوى زبان بر طرف می‌گردد. اسید اوریک ادرار کاهش مى‌یابد، و در نتیجه براى انسان روزه دار احساس سبکى و خوشى خارق العاده رخ می‌دهد و همه وجود انسان بسوى استراحت می‌رود). 4- داکتر تومانیانس: می‌گوید: «فایده بزرگ کم خورى و پرهیز از صرف غذاها، در یک مدت کوتاه، آن است که، چون معده در طول مدت یازده ماه مرتب پر از غذا بوده و در مدت یک ماه روزه دارى مواد غذاى شکم خود را دفع می‌کند و همین طور (کیسه صفرا) که براى حل و هضم غذا مجبور است که مواد صفراى خود را مصرف کند، در مدت سى روز ترشحات صفراوى را صرف در حل و هضم غذاى باقى مانده و جمع شده در معده بمصرف می‌رسند. جهاز هاضمه بدن در نتیجه کم خورى استراحت نموده، و به رفع خستگى مى‌پردازد. روزه یعنى کم خوردن وکم نوشیدن در مدت معینى از سال است و این بهترین راه براى سلامتى وجود انسان بشمار می‌رود. هم طب قدیم و هم طب جدید بر اهمیت این امر صحه گذاشته است. روزه براى تداوى امراض جهاز هاضمه، کلیه، کبد (کیسه صفرا) که بسیارى از امراض این بخش را حتى با دوا‌ها نمی‌توان معالجه کرد، می‌توان آن‌را به روزه تداوى و معالجه نمود. روزه بهترین معالجه و تداوى براى امراض سوء هاضمه بوده، مرض مخصوص کبد (کیسه صفرا ) که موجب «یر قان» (زردى) می‌گردد بهترین معالجه آن همین روزه است بخاطر اینکه این مرض زیادتر از اوقات به واسطه فعالیت بیش از حد کبد بوجود مى‌آید و موجب خستگى کبد گردیده که به اثر آن کیسه صفر ا از فعالیت مى‌افتد و نمى‌تواند صفرا را از خون بگیرد». 5- داکتر گوئل پا می‌گوید: تعدادى زیادى از امراض روده که به اثر تخمیر غذا در روده‌ها بوجود مى‌آید نه به اثر دوا بلکه به اثر روزه بر طرف می‌گردد. ۶- داکتر الکسى سوفورین می‌گوید: جسم در هنگام روزه به جاى غذا از مواد داخلى استفاده کرده و آن‌را به مصرف می‌رساند. که در نتیجه آن مواد فاضله و عفونى که در جسم تجمع می‌کند و بحیث ریشه و خمیره بیمارى مبدل می‌گردد، با گرفتن روزه از بین رفته، و روزه عامل ریشه کن شدن تعدادى زیادى از امراض بشمار می‌رود. دکترالکسى سوفورین می‌گوید: باید انسان جسم خود را با روزه از داخل پاک ونظیف کرداند. ۷- داکتر کارلو معتقد است: هر انسان باید در ظرف یک سال مدتى از خوردن غذا زیاد جلو گیرى کند. زیرا تدوام روزمره غذا موجب تکثر و تولد و در نهایت موجب رشد می‌کروب‌ها در وجود انسان می‌گردد. که با احتیاط و کم خورى میکروب‌ها در وجود انسان رو به ضعف و تقلیل می‌روند. و بهترین معالجه در دفع میکروب‌ها در وجود انسان همان روزه است که دین اسلام براى سلامتى وجود انسان واجب گردانیده است. ۸ - داکتر رو می‌گوید: حتى بسیارى از امراض سفلیس را تنها می‌توان با روزه و امساک تداوى کرد. ۹- «بندیک» عالم فیزیو لوژیست می‌گوید: «یک دوره روزه سى و یک روز است ...در این مدت در ترکیب خون هیچ نوع اختلاطى به هم نرسیده و آن نورى که در برخى از روزه داران ملاحظه می‌شود، و آن حالت جوانى و نشاط که براى روزه داران رخ می‌دهد عامل همه آن روزه است». ۱۰- «اوتو بو خنگر». یکتن از محققان مشهور جهان در عر صه طب می‌گوید: «اکثر امراض حاد و مزمن را می‌توان با وسیله روزه بهبود بخشید و یا حد اقل از شدت آن کاست. وى می‌گوید: در هنگام روزه جسم انسان همه مواد فاضله را جمع آورى نموده و به احراق آن می‌پردازد، نیروهاى نو ساز بدن به هنگام روزه فعال مى‌گردند و به تصفیه و ترمیم بافتهاى بدن مى‌پردازد. مدت پنجاه سال که از تاسیس «کلینک اوتو بو خنگر» سپرى می‌شود بیشتر از پنجاه هزار انسان در این مرکز صحى تنها با روزه تداوى و معالجه گردیده‌اند. ۱۱- داکتر عبد العزیز اسماعیل پاشا دانشمند مشهور مصری در حالاتی ذیل براى معالجه از روزه استفاده نموده است: الف: در مورد اضطرابات مزمن امعاء هنگامى که مقرون با تخمیر مواد زلالیه و مواد نشائسته یی باشد. در این موقع روزه، مخصوصاً از جهت نیاشامیدن آب میان دو خوراک و ایجاد فاصله طولانى نوبت‌هاى غذا، علاج قطعى است و این خصوصیت در مورد ماه مبارک رمضان صدق کامل دارد.

ب: هنگام زیاد شدن وزن که به اثر پر خورى و تقلیل حرکت بوجود مى‌آید، روزه با رعایت اعتدال در غذا، افطار و اکتفاء به آب هنگام سحر نسبت به هر معالجه مفید تر و مؤثر تر است.

ج: جلوگیرى از مرض شکر.

د: جلوگیرى از فشار خون.

هـ: جلوگیرى از ا لتهاب حاد و مزمن کلیه‌ها که مقرون با ترشح و تورم باشد.

و: جلوگیرى از امراض قلب که توام با تورم باشد.

ز: جلوگیرى از التهاب‌ها مزمن مفاصل، بخصوص که توام با امراض چاقى باشد که اغلباً در بین زنان در سنین چهل سالگى بوجود مى‌آید. تجارب نشان داده است که با گرفتن روزه درجات این مرض نسبت به سایر معالجه‌هاى برقى، خونى و استعمال دواها، و استعمال تخنیک‌هاى پیشرفته طب جدید، در وجود انسان تقلیل و تخفیف مى‌یابد. ۱۲- داکتر کارلو می‌گوید: چون تعداد امراض بیشتر گردیده است مجبور هستم همه انسان‌ها (اعم از فقیر و غنى) را از تداوى و معالجه که آن‌را پیامبر اسلام در جزیرة العرب تشریع نموده و بنام روزه آن‌را مسمى ساخته است، با خبر سازم.

معالجه امراض چشم:

داکتر آندر پاسک معتقد است: در صورتیکه انسان، پرابلم‌ها و ناراحتی‌هاى وخیم در چشم از جمله ورم‌ها، ورم شبکیه، ورم بافت ملتحمه، آب مروارید و آب سبز در چشم مبتلا باشد. حتما باید روزه گیرد. ۱۴- داکتر «آلن مویل» می‌گوید: روزه داراى چهار فایده اساسى است: ۱- مانع تجمع مواد سمى در بدن انسان می‌گردد. ۲- روزه باعث می‌گردد که جهاز هاضمه بدن استراحت نسبى یابد. ۳- به وسیله روزه بدن انرژى خود را صرف دفع سموم در بدن می‌نماید. ۴- نیروى حیاتى در بدن انسان تحریک یافته و موجب تقلیل مواد فاضله در بدن می‌گردد.

فواید طبى روزه:

اگر نظریات اطباء را در مورد فوایدی روزه بصورت کل جمع بندى نماییم، فواید روزه را از ناحیه طبى بطور ذیل می‌توان چنین خلاصه و فورمولبندى نمود: ۱- جلوگیرى از اختلال و مزمن شدن روده‌ها و بخصوص در هنگامى که فرمانتاسیون و تخمیرات معده و روده، مریض را دچار درد‌هاى شدید مى‌سازد. ۲- جلوگیرى از چاقى که معمولا ناشى از پر خورى می‌شود. ۳- جلوگیرى از فشار خون. ۴- جلوگیرى از امراض شکر و قند. ۵ - تداوى و معالجه امراض چشم (از جمله ورم‌ها، ورم شبکیه، ورم بافت ملتحمه، آب مروارید و آب سبز در چشم) ۶- جلو گیرى از امراض قلب که توام با تورم باشد. ۷- جلوگیرى از التهاب‌هاى مزمن مفاصل، بخصوص که توام با امراض چاقى باشد. ۸- تداوى اکثر امراض حاد و مزمن. ۹- تداوى امراض جهاز هاضمه، کلیه، کبد (کیسه صفرا) ۱۰- معالجه و تداوى امراض سوء هاضمه، مرض مخصوص کبد (کیسه صفرا) که موجب «یر قان» (زردى) می‌گردد.پاکى نفس و تقلیل جرایم.

بر اساس تحقیقات بعمل آمده علما بدین باور اند که: امار جرایم، قتل و قتال و نزاع‌ها در ماه مبارک رمضان در کشور‌هاى اسلامى به قوس نزولى خود می‌رسد. فضیلت ماه مبارک رمضان از ابو هریرةس روایت است که پیامبرص فرمود: «مَنْ صَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ». «کسى که از روى ایمان و امید کسب اجر و پاداش، ماه رمضان را روزه بگیرد گناهان (صغیره) گذشته او بخشوده مى‌شود».

ماه مبارک رمضان داراى فضایلى است که به برخى آن اشاره مى‌شود

اول: خود ماه مبارک رمضان ماه رمضان ماهى است، که روزه گرفتن در این ماه بر مسلمانان فرض گردیده است.

دوم: موجودیت ليلة القدر در این ماه که برکت و خیر این شب، بهتر و بیشتر از هزار ماه است.

سوم: نزول صحف وکتب آسمانى: مطابق به روایات دینى، صحف ابراهیم در اوایل ماه مبارک رمضان، تورات در ششم ماه رمضان، انجیل در سیزدهم ماه رمضان، زبور داود÷ در هژدهم ماه رمضان و قرآن عظیم الشان در ۲۳ ماه رمضان بطور مجموعى به بیت المعمور وبعدا در بیست و سه سال بر پیامبر اسلام حضرت محمدص نازل یافته است.

چهارم: مطابق به روایات دینى و شواهد تاریخى: اولین فیصله میان حق و باطل (غزوه بدر) هم در ماه مبارک رمضان صورت گرفته است. و قرآن عظیم الشان این غزوه را بنام «یوم الفرقان» مسمى نموده است. همچنان مطابق به برخى از روایات تاریخى: می‌گویندکه فتح مکه هم در ماه مبارک رمضان صورت پذیرفته است.

حفظ و صیانت ماه رمضان:

در ماه مبارک رمضان دو نوع حفظ و دو صیانت در برابر انسان بوجود مى‌آید: -۱ حفظ انسان از وسوسه‌هاى شیطان -۲ حفظ انسان از گرفتارى‌هاى عذاب الهى

خوشحالى‌هاى ماه مبارک رمضان:

روزه دار در ماه رمضان دارایى دو خوشحالى در یک روز می‌باشد: 1- وقتیکه روزه دار روزه خویش را افطار می‌کند. 2- دومین خوشحالى ملاقات با ذات پرورد گار در روزه قیامت است. در حدیث شریف آمده است: «کسیکه با ایمان و احتساب (نیت کسب ثواب) روزه گیرد، تمام گناهان را که قبلاً مرتکب گردیده باشد، بخشیده می‌شود»[[1]](#footnote-1).کلمه رمضان:

رمضان ماهى است که بشوید، هم بسوزد. بشوید به آب توبه دل‌هاى مجرمان را، بسوزد به آتشى گرسنگى تن‌ها بندگان را، رمضان در لغت از (رمضا) به معناى شدت حرارت و یا به معناى سنگ گرم و داغى گرفته شده است و این بدین معناى که اگر این سنگ داغ را به هر چه بگذارند آن‌را بسوزند. و یا هم رمضان از «رمض» گرفته شده است که به معناى باران است که بر هر چه برسد، آن را بشوید. واقعا این کلمه از دقت و لطافت خاصى برخوردار است، چون در این ماه گناهان انسان بخشیده مى‌شود، بناء بر مسلمانان است تا به ضمیمه ماه رمضان همیشه کلمه مبارک را اضافه نماید، و همیشه آن‌را بنام «ماه مبارک رمضان» یاد نمایند. پیامبر اکرمص مى‌فرماید: «إنما سمى الرمضان لأنه يرمض الذنوب». «ماه رمضان به این نام مسمى شده بخاطر آنکه گناهان را مى‌سوزاند». پیغمبرص در جاى دیگرى می‌فرماید: «ماه رمضان ماه است که آن گناهان مؤمنان پاک و شسته می‌شود و خداوندأ ایشان را مى‌بخشد». ماه رمضان از جمله یکى از ماه‌هاى است که نامش در قرآن ذکر یافته است. این ماه در روایات و فرهنگ اسلامى بخشى از برنامه ریزى الهى براى تربیت بشرى تلقى مى‌شود، که از بر کت آن هر سال تحولى فکرى، و فرهنگى در جامعه اسلامى پدید مى‌آید. همچنان در روایات اسلامى، ماه مبارک رمضان، ماه خدا و میهمانى امت پیامبر اکرم ص خوانده شده است و خداوند متعال در این ماه در نهایت کرامت و مهربانى پذیرایى مى‌کند؛ پیامبر اسلام مى‌فرماید: «ماه رجب ماه خدا، ماه شعبان ماه من و ماه رمضان ماه امت من است، هر کس که در این ماه روزه بگیرد بر خدا ست که گناهان‌شان را ببخشد».

معناى لغوى روزه:

روزه یا «صوم» یا «صیام» به معناى باز داشتن و خوددارى کردن از چیزى را گویند. و در اصطلاح شریعت منظور از صوم آنست که شخص از صبح صادق طلوع فجر دوم تا غروب آفتاب خود را از مفطرات یعنى آنچه مورد اشتهاى شکم و فرج است به نیت مخصوص نگاه کند.

حکمت و فلسفه فرضیت روزه:

حکمت و فلسفه فرضیت روزه بالاى مسلمانان براى تقویت روح مسلمانان براى مقاومت با تملایات و هوس‌هاى جسم است. زیرا روزه قدرت هوس‌هاى بدن را تقلیل می‌دهد و انسان را از بسیارى تمایلات نفسانى که لایق مقام انسان نیست باز می‌دارد. و بدین ترتیب روزه روح انسان را تقویت می‌کند.

حکم فرضیت روزه:

بر اساس حکم الهى: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُتِبَ عَلَيۡكُمُ ٱلصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ ١٨٣﴾ [البقرة: 183].

«اى مؤمنان، روزه بر شما مقرر شده است، چنان که بر پیشینیانتان مقرر شده بود، باشد که تقوى پیشه کنید». و هم حدیث مبارک: «بُنِىَ الإِسْلاَمُ عَلَى خَمْسٍ : شَهَادَةِ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ ، وَإِقَامِ الصَّلاَةِ ، وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ ، وَالْحَجِّ ، وَصَوْمِ رَمَضَانَ». «اسلام بر پنچ چیزى بنا گردیده است، اقرار بر اینکه لائق پرستش و عبادت هیچکس بجز ذات الله تبارک و تعالى نیست و حضرت محمدص فرستاده خداوندأ است، برپا کردن نماز، دادن زکات، و حج بیت الله شریف و روزه ماه مبارک رمضان»[[2]](#footnote-2). همچنان اجماع امت بر اینست که روزه ماه رمضان فرض و یکى از ارکان اسلام و ضروریات دین است و کسی که فرضیت آن را انکار کند کافر و مرتد است[[3]](#footnote-3).

حكم و حكمت فرضيت روزه: روزه از قدیم الزمان بین انسان‌ها مروج بوده، اگر ادبیات و قصص مصریان قدیم، چینى‌ها، یونانى‌ها را مورد مطالعه قرار دهیم در خواهیم یافت که روزه با تفاوت‌هاى روزه فعلى مسلمانان وجود داشته در آن زمان روزه‌هاى یک روزه یک هفته اى و یا روزه که روزه داران از خوردن برخى از خوراک باب‌ها ممنوع بودند از جمله خوردن گوشت و یا غیره مأکولات، طوریکه مظاهر این روزه را می‌توان امروز هم در کشور‌هاى اروپایى و برخى از کشور‌هاى آسیایى و پیروان سایر مذاهب از جمله در مذهب کاتولیک‌ها و پروتستانت‌ها مشاهده کرد. روزه و حکم قطعى روزه براى مسلمانان بروز دوم ماه شعبان سال دوم هجرت توسط این آیه مبارکه براى مسلمانان ابلاغ گردید. ﴿شَهۡرُ رَمَضَانَ ٱلَّذِيٓ أُنزِلَ فِيهِ ٱلۡقُرۡءَانُ هُدٗى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَٰتٖ مِّنَ ٱلۡهُدَىٰ وَٱلۡفُرۡقَانِ﴾ [البقرة: 185]. «ماه رمضان ماه ا ست که در آن قرآن نازل شده که رهنمایى مردم است و دلائل هدایت و تمیز بین حق و باطل مى‌باشد». پروردگار با عظمت ما امر فرمود: ﴿فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ ٱلشَّهۡرَ فَلۡيَصُمۡهُ﴾ «هر که از شما آن‌را بیابد روزه این ماه را بگیرد». قرآن مجید شهادت می‌دهد که روزه در تمام ادیان آسمانى فرض بوده و در نظام عبادت هر امتى حیثیت بخش لازمى را داشته است ﴿كَمَا كُتِبَ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ﴾ [البقرة: 183]. «طوریکه فرض گردانیده شده بود بر کسانى که پیش از شما بودند». پیامبر اسلامص می‌فرماید: «اگر شخصى بدون عذر شرعى و مرض، یک روزه را ترک کند اگر تمام عمر روزه بگیرد بازهم تلافى آن را نمی‌توان کرد». (رواى حدیث احمد، ترمذى، ابوداود). زمانیکه حضرت محمدص به مدینه منوره هجرت کرد، ملاحظه کرد که در آن دیار برخى از مردمان در روز عاشورا روزه می‌گرفتند، مسلمانان با آنحضرتص مراجعه نموده و در مورد خواستار هدایت گردیدند، آنحضرتص خود روزه گرفت و به پیروان خویش امر کرد تا روزه بگیرند. در صحیح بخارى از ابن عمرب نقل شده است: «صَامَ النَّبِيُّص: عَاشُورَاءَ وَأَمَرَ بِصِيَامِهِ فَلَمَّا فُرِضَ رَمَضَانُ تُرِكَ». و نیز در صحیح بخارى از عایشهل نقل شده است که: «رسول خدا به روزه روز عاشورا امر کرد تا هنگامى که روزه ماه رمضان واجب شد. آنگاه فرمود: «هر کس مى‌خواهد روز عاشورا را روزه بگیرد و هر کسى مى‌خواهد افطار کند». شخص حضرت محمدص قبل از فرضیت ماه مبارک رمضان، روزه می‌گرفت. و به این عبادت آشنایى داشت. پیامبر اکرم محمدص فرموده‌اند: «إِذَا دَخَلَ رَمَضَانُ فُتِّحَتْ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ». وفى رواية: «فُتِحَتْ أَبْوَابُ الْجَنَّةَ ، وَغُلِّقَتْ أَبْوَابُ جَهَنَّمَ وَسُلْسِلَتِ الشَّيَاطِينُ». وفى رواية: «فُتِحَتْ أَبْوَابُ الرَّحْمَةِ». «چون ماه مبارک رمضان داخل شود، در‌هاى آسمان کشاده شود. در روایت دیگرى آمده است که در‌هاى بهشت کشوده مى‌شود و در‌هاى دوزخ بسته و شیاطین در زنجیر کرده مى‌شوند. و در روایتى آمده است که در‌هاى رحمت باز مى‌شود».

هدف روزه:

هدف واقعى روزه متقى شدن انسان است. ﴿لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ﴾ تقوى گوهر اخلاق است، که از محبت الهى، از ایمان به اللهأ درک صفات رحمت، کرم، فضل و خوف خداوندأ بوجود مى‌آید.

روزه حقیقى:

روزه حقیقى روزه اى است که انسان با تمام احساس و شعور کامل به اداى آن اقدام نماید. و از تمام مکروهاتى که روزه را بى روح و بى مفهوم مى‌سازد از آن جلو گیرى بعمل آرد. پیامبر اسلام می‌فرماید: «وقتى که انسان روزه مى‌گیرد لازم است که گوش‌ها، چشم‌ها، زبان، دست‌ها و تمام اعضاى بدن خود را از کارهاى نا پسند یده باز دارد».

وقت فرضیت ماه مبارک رمضان:

خداوند پاک در سوره بقره (آیات ۱۸۳ - ۱۸۵) می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُتِبَ عَلَيۡكُمُ ٱلصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ ١٨٣ أَيَّامٗا مَّعۡدُودَٰتٖۚ فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوۡ عَلَىٰ سَفَرٖ فَعِدَّةٞ مِّنۡ أَيَّامٍ أُخَرَۚ وَعَلَى ٱلَّذِينَ يُطِيقُونَهُۥ فِدۡيَةٞ طَعَامُ مِسۡكِينٖۖ فَمَن تَطَوَّعَ خَيۡرٗا فَهُوَ خَيۡرٞ لَّهُۥۚ وَأَن تَصُومُواْ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ١٨٤ شَهۡرُ رَمَضَانَ ٱلَّذِيٓ أُنزِلَ فِيهِ ٱلۡقُرۡءَانُ هُدٗى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَٰتٖ مِّنَ ٱلۡهُدَىٰ وَٱلۡفُرۡقَانِۚ فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ ٱلشَّهۡرَ فَلۡيَصُمۡهُۖ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوۡ عَلَىٰ سَفَرٖ فَعِدَّةٞ مِّنۡ أَيَّامٍ أُخَرَۗ يُرِيدُ ٱللَّهُ بِكُمُ ٱلۡيُسۡرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ ٱلۡعُسۡرَ وَلِتُكۡمِلُواْ ٱلۡعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُواْ ٱللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَىٰكُمۡ وَلَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ ١٨٥﴾ [البقرة: 183-185]. «اى مؤمنان! روزه بر شما فر ض گردیده چنانچه بر کسانیکه پیش از شما بودند فرض گردیده بود تا پرهیزکار شوید و خلعت تقوى را در بر کنید. روزه در روزه‌هاى شمرده شده و اندک بر شما فرض گردانیده شده، پس هر کدام از شما که مریض و یا در سفر باشد برایش رواست که روزه را بخورد و قضاى آن‌را در روز‌هاى دیگر بیاورد و بر کسانیکه به مشقت زیاد از عهده آن مى‌برآیند فدیه است به اندازه خوراک یک روزه یک مسکین، و هرکس به خوشى و رضاى خود در فدیه افزودى به عمل آرد و بیش از یک نفر مسکین را سیر سازد برایش بهتر است. روزه گرفتن تان براى شما بهتر است اگر می‌دانید. ماه رمضان ماهیست که در آن قرآن نازل شده که براى مردم وسیله هدایت و دلایل روشن از رهنمایى و وسیله امتیاز حق از باطل است. پس هرکس حاضر آن ماه باشد و آن‌را در یابد آن‌را بگیرد و هرکس مریض و یا در سفر باشد برایش رواست که آن‌را نگیرد و قضاى آن‌را در روزهاى دیگرى بیاورد و شماره روزهاى فوت شده را تکمیل کند. خداوند خواهان آسانى و سهولت بر شماست و اراده عسرت و دشوارى بر شما را ندارد، و بر اینکه شما، شمار آن‌را تکمیل کنید و براى اینکه خداى خود را به بزرگى یاد کنید شما را رهنمونى کرده و باشد که شما با سپاس و شکر گزار و منت بار خداى خود باشید».

روزه وقت فرض می‌گردد زمانیکه تاکید به رویت هلال ماه مبارک رمضان صورت بپذیرد. بدین اساس دین اسلام بر مسلمانان واجب گردانیده است تا به تاریخ (۲۹ شعبان) براى دیدن هلال ماه رمضان اهتمام بخرچ دهد. ۱- رویت ماه مبارک رمضان باید توسط دو نفرمسلمان (خواه مرد باشد یا زن) عا قل، بالغ و عادل تصدیق گردد. ۲- اگر رویت ماه مبارک توسط عده زیادى از مردم تصدیق گردد، در این صورت شرط عادل بودن از بین می‌رود. ۳- در صورتیکه آسمان ابر آلود باشد بناء با تکمیل ۳۰ روز از ماه شعبان فرضیت روزه حتمى می‌گردد. زمانیکه رویت ماه مبارک رمضان بعمل آمد بر مسلمانان لازم است تا خود روزه گیرند و خبر آن‌را بین همه مسلمانان پخش نمایند. اگر رویت ماه مبارک رمضان در یکى از کشور‌ها صورت گیرد بر سایر مسلمانان است که به مجرد وصول خبر، روزه بگیرند. پیامبر اسلام حضرت محمد مصطفىص فرموده است: «صُومُوا لِرُؤْيَتِهِ وَأَفْطِرُوا لِرُؤْيَتِهِ فَإِنْ غُمِّىَ عَلَيْكُمُ الشَّهْرُ فَعُدُّوا ثَلاَثِينَ». «هلال را دیده روزه گیرید و هلال را دیده روزه را پایان دهید و اگر در (۲۹) شعبان هلال دیده نشد پس حساب شعبان را (۳۰) پوره نمائید»[[4]](#footnote-4).

دعاى دیدن ماه:

پیامبرص وقتى ماه نو را مشاهده می‌کردند، چنین دعا می‌خواندند. «اللَّهُمَّ أَهِلَّهُ عَلَيْنَا بِالأَمْنِ وَالإِيمَانِ وَالسَّلاَمَةِ وَالإِسْلاَمِ، رَبِّى وَرَبُّكَ اللّهُ، هِلالُ خَيْرٍ وَرُشْدٍ». «خدایا! طلوع مهتاب را بر ما همراه آرامش و ایمان، سلامتى و اسلام بگردان. اى مهتاب! خداى من و خداى تو الله واحد است». آرزومندم این مهتاب هدایت و خیر باشد.

اقسام روزه:

1. فرض: روزه فرض در تمام سال فقط روزه گرفتن ماه مبارک رمضان بر مسلمانان فرض است.
2. واجب: روزه‌ای است که نذر شده باشد و روزه کفاره واجب است. اگر شخصى روزه‌ای روز معیینى را نذر کرده باشد، روزه گرفتن همان روز ضرور می‌باشد. اما اگر روزه را معین نکرده بود هر وقت که بخواهد می‌تواند روزه بگیرد. اما تاخیر آن بدون دلیل لازم نیست.
3. سنت: روزه‌هاى است که پیامبر اسلام گرفته باشد و مسلمانان را به گرفتن آن تر غیب نموده باشد. از جمله: روزه، روز نهم و دهم محرم بطور مسلسل. روزه، یوم عرفه یعنى نهم ذو الحجة الحرام. روزه، ایام بیض: یعنى روزه گرفتن در روزهاى (۱۳، ۱۴، و ۱۵) هر ماه.
4. نفل: روزه نفلى، روزه غیر از روزه‌هاى فرض، واجب و مسنون، را روزه نفلى می‌گویند که روزه گرفتن در آن مستحب است از جمله: (شش روز روزه گرفتن در ماه شوال المکرم، روزه گرفتن روز‌هاى دوشنبه و پنچشنبه، روزه گرفتن هشت روز در دهه اول ذو الحجة).

شش روز شوال:

از ابو ایوب انصاریس روایت است که: پیامبرص فرمود: «مَنْ صَامَ رَمَضَانَ ثُمَّ أَتْبَعَهُ سِتًّا مِنْ شَوَّالٍ كَانَ كَصِيَامِ الدَّهْرِ». «کسی که ماه رمضان و بدنبال آن شش روزه از ماه شوال را روزه بگیرد مانند اینست که یک سال کامل را روزه گرفته باشد»[[5]](#footnote-5).

روز عرفه براى غیر حاجی و روز عاشورا و روز قبل از آن:

از ابو قتادة روایت است: «سُئِلَ رسول اللهص عَنْ صَوْمِ يَوْمِ عَرَفَةَ؟ فَقَالَ: يُكَفِّرُ السَّنَةَ الْمَاضِيَةَ وَالْبَاقِيَةَ. وَسُئِلَ عَنْ صَوْمِ يَوْمِ عَاشُورَاءَ فَقَالَ: يُكَفِّرُ السَّنَةَ الْمَاضِيَةَ». «از پیامبرص در باره روزه روز عرفه سؤال شد فرمود: گناهان سال گذشته و سال جاری را از بین مى‌برد، و در بارهروزه روز عاشورا از او سؤال شد فرمود: گناهان سال گذشته را از بین مى‌برد»[[6]](#footnote-6). از ام الفضل بنت حارث روایت است: «أَنَّ نَاسًا اخْتَلَفُوا عِنْدَهَا يَوْمَ عَرَفَةَ فِى صَوْمِ النَّبِىِّص فَقَالَ بَعْضُهُمْ: هُوَ صَائِمٌ. وَقَالَ بَعْضُهُمْ: لَيْسَ بِصَائِمٍ. فَأَرْسَلَتْ إِلَيْهِ بِقَدَحِ لَبَنٍ وَهْوَ وَاقِفٌ عَلَى بَعِيرِهِ فَشَرِبَهُ» «مردم در روز عرفه در باره روزه بودن پیامبرص نزد من بحث و جدال کردند. بعضى از آن‌ها گفتند: او روزه است و بعضى دیگر گفتند: روزه نیست. من ظرفى از شیر را برایش فرستادم، ایشان در حالى که روى شترش در عرفه ایستاد بود آن را نوشید»[[7]](#footnote-7). از ابو غطفان بن طریف مری روایت است: از ابن عباسب شنیدم که مى‌گفت: «حِينَ صَامَ رَسُولُ اللَّهِص يَوْمَ عَاشُورَاءَ وَأَمَرَ بِصِيَامِهِ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّهُ يَوْمٌ تُعَظِّمُهُ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِص: فَإِذَا كَانَ الْعَامُ الْمُقْبِلُ - إِنْ شَاءَ اللَّهُ - صُمْنَا الْيَوْمَ التَّاسِعَ. قَالَ فَلَمْ يَأْتِ الْعَامُ الْمُقْبِلُ حَتَّى تُوُفِّىَ رَسُولُ اللَّهِص». «وقتى پیامبرص روز عاشورا را روزه گرفت و به روزه گرفتن آن دستور داد، مردم گفتند: ای رسول خدا عاشورا روزی است که یهود و نصارى آن را بزرگ مى‌دارند. پیامبرص فرمود: سال بعد انشاء الله روز نهم را هم روزه مى‌گیریم. ابن عباسب گفت: قبل از آنکه روز نهم سال بعد بیاید پیامبر ص فوت کرد»[[8]](#footnote-8).

گرفتن روزه در ماه محرم:

از ابو هریرهس روایت است که پیامبرص فرمود: «أفضل الصيام بعد شهر رمضان شهر الله المحرم و أفضل الصلاة بعد الفريضة صلاة الليل». «بهترین روزه بعد از ماه رمضان روزه ماه محرم و بهترین نماز بعد از نماز‌های فرض نماز شب است».

اکثر روز‌های ماه شعبان:

از عایشهل روایت است: «ما رأيت رسول اللهص استكمل صيام شهر قط إلا شهر رمضان وما رأيته فى شهر أكثر منه صياماً فى شعبان» «پیامبرص را ندیدم که ماهى را کامل روزه بگیرد، مگر ماه رمضان و او را ندیدم که در هیچ یک از ماه‌ها به اندازه ماه شعبان روزه بگیرد»[[9]](#footnote-9).

روز‌هاى دوشنبه و پنجشنبه:

از اسامه بن زید روایت است: «إِنَّ نَبِىَّ اللَّهِص كَانَ يَصُومُ يَوْمَ الاِثْنَيْنِ وَيَوْمَ الْخَمِيسِ وَسُئِلَ عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ: إِنَّ أَعْمَالَ الْعِبَادِ تُعْرَضُ يَوْمَ الاِثْنَيْنِ وَيَوْمَ الْخَمِيسِ». «پیامبرص روز دوشنبه و پنج شنبه را روزه مى‌گرفت. در باره از او سؤال شد، فرمود: اعمال بندگان در این دو روز (پیش خدا) عرضه می‌شود»[[10]](#footnote-10). پیغمبر اسلام در سفر و حضر در روز‌هاى بیض (۱۳، ۱۴، ۱۵، هر ماه) افطارنمی‌گرد. (نسائی، ترمذى). قابل تذکر است روزه ثوابى را هر زمانیکه از ادامه آن خسته شدید می‌توانید آن‌را افطار نماید.

روزه‌هاى ممنوعه:

در ایام ذیل گرفتن روزه ممنوع مى‌باشد:

1- گرفتن روزه درایام شک یعنى اینکه سایر مسلمین روز دار نباشند ولى به زعم خویش روزه بگیرد.یوم شک: (یوم شک یا روز شک)، روز ۳۰ ماه شعبان را گویند که در شامگاه روز ۲۹ شعبان، مهتاب دیده نشود و به طور قطعى هم معلوم نباشد که فردا ۳۰ شعبان است یا اول رمضان. در این روز، روزه گرفتن مکروه تحریمى است. (حضرت عمار بن یاسرس از پیامبر اکرمص روایت نموده‌اند که:«من صام اليوم الذى شك فيه فقد عصى أبا القاسم». «کسى که یوم شک را روزه بگیرد با پیامبرص مخالفت کرده است»[[11]](#footnote-11). (روز عیدین عید فطر و عید اضحى، یازدهم، دوزادهم، سیزد هم ذوالحجة). ۲- گرفتن روزه در روز عیدین (عید فطر وعید الأضحى) ۳- گرفتن روزه در دوره حیض و نفاس. ۴- همچنان حضرت محمدص روزه بدون افطار و سحر را منع نموده است.

حکم روزه نفلى براى زن شوهردار:

زن نمی‌‌تواند بدون اجازه شوهرش در صورتیکه شوهرش مقیم باشد، روزه ثوابى بگیرد. از ابو هریرهس روایت شده که پیامبر اسلام فرمود: «ولاَ تَصُمِ الْمَرْأَةُ يَوْماً وَاحِداً وَزَوْجُهَا شَاهِدٌ إِلاَّ بِإِذْنِهِ». «روزه نگیرد زن حتى یک روز در حالیکه شوهرش باشد مگر به اجازه او غیر از رمضان»[[12]](#footnote-12). این حدیث شریف بصورت آشکار زن را از روزه گرفتن روزه نفلى در حالیکه شوهرش حاضر باشد منع مى‌کند زیرا ممکن است باعث تلف حق او گردد ولى در روزه رمضان چون فرض است اجازه گرفتن از شوهر لازم نمى‌باشد.

روزه مکروه:

روزه است که انسان تنها روز شنبه و یا یکشنبه را روزه بگیرد و یا فقط روز عاشورا را روزه بگیرد. و یا روزه گرفتن زن بدون اجازه شوهر، و یا روزه گرفتن بدون افطار (که بنام روزه وصال) یاد می‌گردد. و غیره از این قبیل روزه را در شریعت اسلام بنام روزه مکروه مسمى نموده‌اند.

روزه حرام:

در روز‌هاى ذیل سال گرفتن روزه حرام می‌باشد.

1. در روز عید رمضان و قربان، از ابو عبید مولای ابن أزهر روایت است: در روز عید با عمر بن خطابس بودم گفت: پیامبرص از روزه گرفتن در این دو روز نهى فرموده است، اولین روز بعد از ماه رمضان (عید فطر) و روزی که از قربانی‌هایتان مى‌خورید (عید قربان)[[13]](#footnote-13).
2. ایام تشریق، از ابو مره مولای أم هانی روایت است: با عبد الله بن عمرو نزد پدرش عمرو بن عاص رفتیم، غذایی جلو ما گذاشت و گفت: «بخورید، (عبدالله) گفت: من روزه هستم، عمرو گفت: بخورید، این‌ها روز‌هایى است که پیامبرص به ما امر مى‌کرد که روزه نگیریم و از روزه گرفتن ما را نهى مى‌کرد. امام مالک گفته است: منظور از این روزها ایام التشریق است».
3. روزه گرفتن جمعه به تنهایى: از ابو هریرهس روایت است: «هیچ کدام از شما روز جمعه روزه نگیرد مگر اینکه روز قبل یا بعد از آن نیز روزه بگیرد»[[14]](#footnote-14).
4. روزه گرفتن شنبه به تنهایى: در حدیث عبدالله بن بسر سلمى از خواهرش صماء روایت است که پیامبرص فرمود: «روزه شنبه را به تنهایى روزه نگیرید مگر روزه‌های که بر شما فرض باشد، و اگر بجز پوست انگور یا شاخه درخت چیز دیگرى نیافتید آن را بجوید تا آن روز روزه نباشید»[[15]](#footnote-15).
5. نیمه دوم شعبان براى کسى که به روزه گرفتن آن عادت ندارد: از ابو هریرهس روایت است که پیامبر ص فرمود: «هیچ کدام از شما یک یا دو روز قبل از رمضان روزه نگیرد مگر اینکه به روزه گرفتن در آن روز عادت داشته باشد که در این صورت مى‌تواند آن روز را روزه بگیرد»[[16]](#footnote-16).

روزه بر کى فرض است؟

اجماع علماء بر اینست که روزه (ماه رمضان) بر هر شخص مسلمان، عاقل، بالغ، سالم و مقیم فرض است البته زن باید از حیض و نفاس پاک باشد[[17]](#footnote-17).

مفهوم شرط بلو غ:

شرط بلوغ بدین معنى است که مسلمان که بر سن بلوغ رسیده باشند و توانمندى گرفتن روزه را داشته باشند. روزه بالاى آنان فرض می‌گردد. این بدین معنى است کسانیکه به سن بلوغ نرسیده‌اند گرفتن روزه بالاى آنان فرض نمى‌باشد. پیامبرص فرموده است: «رُفِعَ الْقَلَمُ عَنْ ثَلاَثَةٍ: عَنِ الْمَجْنُونِ حَتَّى يَعْقِلَ وعَنِ النَّائِمِ حَتَّى يَسْتَيْقِظَ وَعَنِ الصَّبِىِّ حَتَّى يَحْتَلِمَ». «تکلیف از سه دسته برداشته شده است: از دیوانه تا هوشیار شود و از به خواب رفته تا بیدار شود و از کودک تا بالغ شود»[[18]](#footnote-18).

مفهوم شرط قادر بودن:

شر ط قادر بودن به این معنى است که یک نفر مسلمان توان گرفتن روزه را داشته باشد بالاى آنان گرفتن روزه فرض می‌گردد، ولى مریضان که توان گرفتن روزه را ندارد و با گرفتن روزه وضعیت صحی آنان برهم می‌خورد و دوکتوران براى آنان گفته باشند در صورتیکه روزه بگیرند به وضعیت جسمانى‌شان ضرر می‌رسد در این صورت گرفتن روزه بر آنان فرض نبوده. هر زمانیکه از مریضى بهبود یابند و عذر موجود مرفوع گردد به قضاء آن مبادرت ورزند.

امراض:

امراض که خوردن روزه را به توصیه داکتر معالج متدین جواز دانسته عبارتند از: (امراض سل، امراض صدرى، امراض معدى، امراض روانى، که انسان به گرفتن روزه از حالت نورمال خارج می‌گردد. وغیره امراض خطرناک و مضر ...) اگر شخصى فقط به اساس وهم و خیال خود که گویا روزه او را مریض مى‌سازد و یا مریضى او را افزایش می‌دهد، در حالیکه آن را تجربه هم نکرده و نه دکتور متخصص برایش مشوره داده، روزه نگیرد گنهگار بوده و باید کفاره آن‌را هم بپردازد.

شیخوخت و یا کبر سن:

شیخوخت و یا کبر سن بدین معنى است، آنعده از مسلمانانیکه توانمندى گرفتن روزه را از دست داده باشند. به اساس این حکم الهى ﴿وَعَلَى ٱلَّذِينَ يُطِيقُونَهُۥ فِدۡيَةٞ طَعَامُ مِسۡكِينٖ﴾ [البقرة: 184]. پیران کهن سال و زنانى که نتوانند روزه گیرند پس باید فدیه بدهند. همچنان این حکم شامل حال آنعده از کسانى می‌گردد که به امراض مزمن که علاج دو باره آن غیر ممکن باشد. برآنان گرفتن روزه فرض نیست در بدل آن می‌توانند فدیه دهند که سیر کردن هر روزه یک نفر مسکین است.

مجاهد:

مجاهد که مصروف جهاد اعلاى كلمة الله و دفاع از مقدسات وطن باشد، گرفتن روزه بالاى آن فرض نیست. می‌تواند بعد از اینکه امور مجاهدت‌اش به پایان رسید به گرفتن روزه اقدام نماید.

مسافر:

براى مسافر بر اساس حکم آیه متبرکه ﴿وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوۡ عَلَىٰ سَفَرٖ فَعِدَّةٞ مِّنۡ أَيَّامٍ أُخَرَ﴾ [البقرة: 185]. «کسانیکه از شما مریض و یا در سفر باشد، شمار روز‌هاى دیگر آن‌را بگیرد». (جواز دارد که روزه را افطار نماید). علماء حدود مسافتى که سفر بشمار می‌آید را 4 بُرد بر آورد نموده‌اند. هر بُرد عربى برابر است با (22.176) کیلومتر، در نتیجه مسافتى که احکام سفر به آن تعلق می‌گیرد برابر است با 4 برابر این مقدار یعنى (88.704) کیلومتر (برای معلومات مزید مراجعه شود به کتاب «الفقه الإسلامي وأدلته» 1/ 74- 75). علماء برای تأیید نظریات خویش بر روایات ذیل اسلامی استناد نموده‌اند:

1. از پیامبرص به سند ضعیف روایت شده است که گفت: «يَا أَهْلَ مَكَّةَ لاَ تَقْصُرُوا الصَّلاَةَ فِى أَدْنَى مِنْ أَرْبَعَةِ بُرُدٍ مِنْ مَكَّةَ إِلَى عُسْفَانَ»[[19]](#footnote-19). یعنى: «اى اهل مکه، از مسافت کمتر از 4 بُرد ما بین مکه و عسفان (نمازها را) قصر نکنید».
2. از ابن عباسب سؤال شد که آیا تا رفتن به عرفه نمازها را قصر کنیم؟ گفت: نه، ولى تا عسفان و جدة و طائف (می‌شود نماز را قصر کرد)[[20]](#footnote-20). ۳- ابن عمر و ابن عباسش هنگام سفر در مسافت 4 بُرد به بالا (یعنى بیشتر از (88.704) کیلومتر) نمازها را دو رکعت می‌خواندند و روزه را نمی‌گرفتند. ابن عمر هنگام رفتن به «ذات النصب» نماز را قصر کرد، و بین این مکان تا مدینه 4 بُرد مسافت بود[[21]](#footnote-21). در ضمن سفر باید سفر مباح باشد تا احکام سفر بر او تعلق گیرد. در نتیجه کسى که مسافت بیشتر از (88.704) کیلومتر را طى کند احکام سفر به او تعلق می‌گیرد و می‌تواند روزه را بشکند و نمازها را قصر و جمع کند، ولى همانطور که بیان شد باید سفرش مباح باشد، ولى اگر مسافت طى شده کمتر از (88.704) کیلومتر باشد، احکام سفر به او تعلق نمی‌گیرد، و نمی‌تواند که روزه را بشکند و یا نمازها را قصر و جمع کند. و نا گفته نماند که مسئله فوق الذکر یکى از آراء علماء در مورد مسافت قصر و جمع می‌باشد، و نظریه‌هاى دیگرى نیز وجود دارد و علماء نزدیک به 20 قول را در مورد مسافت قصر بیان کرده‌اند. که نسبت طوالت کلام از ذکر آن جلوگیری می‌نمایم. (ولى قابل تذکر است به مجرد که مسافر به حالت مقیم آید به گرفتن روزه آغاز و ایام قضاء شده را قضائى بیاورند).

حمل:

زنان که حامله‌اند و می‌دانند که به گرفتن روزه براى حمل و خود آن ضرر می‌رسد مکلف به گرفتن روزه نیستند.

ارضاع:

اگر زن شیرده گمان غالب کند که در صورت روزه گرفتن ضرر شدید به طفل وى خواهد رسید اجازه دارد روزه نگیرد. صرف قضاى روزه بر آن‌ها فرض است.از انس بن مالک کعبىس روایت شده که رسول اللهص فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ وَضَعَ عَنِ الْمُسَافِرِ الصَّوْمَ وَشَطْرَ الصَّلاَةِ وَعَنِ الْحُبْلَى وَالْمُرْضِعِ الصوم». «خداوند برداشته از مسافر روزه و نصف نماز را و از زن حامله و شیرده روزه را»[[22]](#footnote-22). امام ابو حنیفه/ می‌فرماید: اگر زنى حامله یا شیرده از روزه گرفتن بترسد جایز است افطار کند فرق نمى‌کند که خوف او بر خودش و طفل‌اش و یا تنها بر خودش و یا تنها بر طفلش باشد، و در صورت که قدرت یافت صرف بر او قضاء لازم است نه فدیه، همچنان پیهم روزه گرفتن در ایامى که قضا مى‌کند بر او لازم نمى‌باشد. این حکم براى زنى که فرزند خود را شیر می‌دهد و زنى که براى شیر دادن اجیر شده فرقى ندارد زیرا اگر مادر طفل باشد شیر دادن به اساس دیانت بر او واجب است، و اگر اجیر باشد شیر دادن به اساس عقد بر او واجب شده است.

حائض و نفاس:

زنانیکه به دوره حیض و نفاس باشند جواز ندارد که روزه دار گردند. اگر زن حائض و زنى که در نفاس است روزه بگیرند، روزه آن‌ها صحیح نیست؛ چون یکى از شروط صحت روزه، پاکی از حیض و نفاس است و بر آن‌ها قضا واجب است. در حدیث از بى بى عایشهل روایت است: «كُنَّا نَحِيضُ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِص ثُمَّ نَطْهُرُ فَيَأْمُرُنَا بِقَضَاءِ الصِّيَامِ وَلاَ يَأْمُرُنَا بِقَضَاءِ الصَّلاَةِ». «ما در زمان پیامبرص به حیض مى‌افتادیم، به ما دستور داده مى‌شد که تنها روزه را قضا کنیم نه نماز را»[[23]](#footnote-23). زن هر زمانیکه از دوره خلاص شدند به تجدید نیت به گرفتن روزه اقدام نمایند. زنان حائضه و نفساء روزه فوت شده شانرا بعد از رمضان قضاء مى‌آورند. (اگر دوره نسائى‌اش قبل از فجر صورت گیرد می‌تواند اول نیت و بعداً به گرفتن روزه اقدام نماید و اگر دوره نسائى آن بعد از فجر صورت گیرد در صورتیکه خواسته باشد می‌تواند در همان روز از خوردن و نوشیدن اباء ورزد. ولى روزه آن درست نبوده باید به قضاء آن مبادرت نماید). قابل تذکر است آنعده از زنانیکه مریض به جریان دم متداوم مبتلاء‌اند (خارج از ایام حیض و نفاس) می‌توانند روزه بگیرند. و حتى نماز پنج گانه را بشرط آنکه براى هر نماز وضو جداگانه نماید، اداء نماید. اگر زن فقط یک لحظه قبل از شام حیض یا نفاس ببیند روزه‌اش باطل گردیده و باید آن‌را قطع کند. اگر خون حیض یا نفاس براى لحظه‌یى هم قطع شود براى روزه نیت کند هر چند غسل را کمى به تأخیر اندازد.

تبصره: باید دانست اگر روزه انسان فاسد شود باید از خوردن، نوشیدن و سایر شکننده‌هاى روزه به جهت احترام رمضان خود دارى کند اما این حکم براى حائض و نفساء تطبیق نمی‌شود بلکه بر وى لازم است که خوردن و نوشیدن خود را از چشم مردم پنهان نماید.

شدت گرسنگى و تشنگى:

اگر روزه دار از شدت گر سنگى به خطر زندگى یا خطر فتور در عقل باشد می‌تواند روزه نگیرد.

ترس از هلاکت:

اگر به علت محنت و مشقت احتمال مردن، یا ظالمى بر کسى جبر کند که اگر روزه گرفتى ترا خواهم کشت یا به سختى ترا لت و کوب خواهم کرد و یا یکى از اعضاى بدن ترا قطع خواهم کرد، اجازه است که روزه نگیرد.

بى‌هوشى:

اگر بیهوشى بر کسى طارى گردد و چند روز دوام کند. در این صورت قضاى روز‌هاى که مانده واجب است.

جنون:

اگر جنون بر کسى طارى گشت و از آن هیچ وقت بهبود نمى‌یابد از گرفتن روزه معاف است، قضا و فدیه واجب نمى‌باشد ولى اگر بهبود یافت، قضا بر وى واجب است.

تبصره: اگر بیمار و مسافر با گرفتن روزه دچار مشقت نشوند، روزه گرفتن بهتر است و اگر دچار مشقت شوند بهتر آن است که روزه نگیرند. در حدیث شریف از ابو سعید خدریس روایت است: با پیامبرص در ماه رمضان به جنگ با کفار رفتیم بعضى از ما روزه بودند و بعضى دیگر روزه نبودند بدون اینکه از همدیگر ایراد بگیرند و معتقد بودند کسى که توانایى روزه دارد اگر روزه بگیرد بهتر است و کسى که توانایى روزه را ندارد بهتر آن است که روزه نگیرد»[[24]](#footnote-24).

حالاتى که شکستن روزه در آن‌ها جایز است:

حمله ناگهانى مرض که خطر مرگ را در بر داشته باشد و یا حوادث ترافیکى توام با خطر باشد.اگر کسى ناگهان مریض شود و یا در صورتیکه روزه خود را نشکند خطر شدت بیمارى او را تهدید می‌کند جواز دارد روزه خود را بشکند. اگر کسى را مار و یا گژدم گزید و ضرورت به دوا باشد می‌تواند روزه خود را بشکند.

شروط روزه:

اول اسلام: یکى از شرایط روزه همانا مسلمان بودن است. کسانیکه از دین اسلام بر گردند روزه آنان باطل است و در صورت رجعت دوباره به دین مبین اسلام می‌توانند به قضاء روزه اقدام نماید.

دوم نیت: «إِنَّمَا الأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ، وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى». «قبول و صحت اعمال با نیات است، پذیرش و پاداش هر عمل بستگى به نیت آن دارد».

معناى نیت اراده کردن در قلب می‌باشد. روزه بدون نیت درست نمى‌باشد. روزه دار باید در شب (از آغاز غروب آفتاب الى طلوع آفتاب یا فجر) نیت روزه را بعمل آرد. محل نیت همان قلب است ضرورت نیست که به زبان مبادرت شود. نیت روزه می‌شود از آغاز شهر رمضان آغاز، و إلى اخیر ماه رمضان ادامه یابد. ضرورت به تجدید همه روزه آن نیست. ولى اگر روزه به اثر یکى از عذر شرعى مقطوع گردد ضرورت است که به آغاز دوباره نیت روزه نیز تجدید یابد. (نیت به هر زبان که شخص می‌خواهد می‌تواند آن‌را بجا آورد. نیت تنها به الفاظى عربى شرط نیست). اگر شخصى در شب نیت می‌کند بگوید: «وبصوم غد نويت من شهر رمضان». «و من نیت کردم براى فردا روزه ماه رمضان را» و شخصى که در روز نیت می‌کند بگوید: «نويت وبصوم اليوم من شهر رمضان» «من نیت کردم براى امروز روزه رمضان را» براى مسافر ضرور است که در رمضان نیت کدام روزه واجب را ننماید، اگر نیت روزه فرض رمضان را کند یا نیت روزه نفلى را در هر صورت درست است. کسیکه روزه قضاى رمضان المبارک را می‌گیرد ضرور است که بطور معین نیت روزه فرض را بنماید. اگر شخصى در شب نیت روزه را فراموش کند و در روز بیادش آید، در سه نوع روزه نیت کردن تا قبل از زوال آفتاب صحیح می‌باشد که عبارت‌اند از: «روزه رمضان المبارک، روزه‌هاى نذر که روز یا تاریخ آن معین گردیده باشد، روزه نفلى». در چهار نوع روزه نیت کردن از غروب آفتاب تا طلوع صبح صادق ضرور بوده و پس از طلوع صبح صادق نیت کردن کافى نمى‌باشد و این روزه‌ها عبارت‌اند از: «روزه قضایى رمضان المبارک، روزه‌هاى نذر که روز و تاریخ آن معین نشده باشد، روزه‌هاى کفاره، روزه‌هاى قضایى روزه نفلى که پس از آغاز به علتى فاسد شده باشد». اگر شخصى در شب بنابر دلیلى اراده روزه گرفتن را نداشته و در صبح هم به فکر روزه نگرفتن باشد، سپس قبل از زوال آفتاب فکر کند ترک روزه رمضان درست نیست و نیت کند روزه‌اش صحیح می‌باشد، اما صبح چیزى خورده باشد ضرورت به نیت نمى‌افتد.

فرایض روزه:

در روزه از نمودار شدن صبح صادق تا غروب آفتاب کناره گیرى کردن از سه چیز فرض است: 1- امتناع از خوردن، 2- امتناع از نوشیدن، 3- امتناع از لذت جنسى.

سنن و مستحات روزه:

سحرى کردن اگر چه به دانه خرما باشد، خوردن سحرى در اخیر وقت مستحب است طوریکه چیزى وقت به صبح صادق مانده باشد. نیت روزه در شب مستحب است، عجله در افطار پس از غروب آفتاب تاخیر نکردن در افطار مستحب است. افطار با آب و خرما مستحب بوده. روزه دار باید در ماه مبارک رمضان از: غیبت، سخن چینى، دروغگویى، غالمغال، قهر و ظلم، امتناع بعمل آرد.

وقت روزه:

وقت روزه فرضى و یا روزه شرعى، به حکم قرآن از طلوع صبح صادق آغاز و تا غروب آفتاب ادامه مى‌یابد. چنانچه در (آیه ۱۸۷ سوره بقره) آمده است:

﴿وَكُلُواْ وَٱشۡرَبُواْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكُمُ ٱلۡخَيۡطُ ٱلۡأَبۡيَضُ مِنَ ٱلۡخَيۡطِ ٱلۡأَسۡوَدِ مِنَ ٱلۡفَجۡرِۖ ثُمَّ أَتِمُّواْ ٱلصِّيَامَ إِلَى ٱلَّيۡلِ﴾ [البقرة: 187]. «تا آن وقت بخورید و بنوشید که خط سفید از خط سیاه خوب نمایان و آشکار شود و باز روزه را تا اول شب به اتمام رسانید وآنرا بگیرید». ولى در کشور‌های که آبر آلوداند و تعیین وقت در آن دشوار است فتواى علما است که افطار به وقت محلى نزدیک‌ترین کشور اسلامى صورت مى‌پذیرد. روزه گرفتن در شب جواز نداشته خداوندأ شب را براى استراحت آفریده ﴿­هُوَ ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ ٱلَّيۡلَ لِتَسۡكُنُواْ فِيهِ وَٱلنَّهَارَ مُبۡصِرًاۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَسۡمَعُونَ ٦٧﴾ [یونس: 67].

سحرى «پس شب» و ا فطار:

پیامبراکرمص فرموده است: «سه امر از جمله اخلاق پیامبران می‌باشد: «تأخیر در سحرى، تعجیل در افطار، در نماز دست راست را بر چپ گذاشتن». پیامبر اسلام می‌فرماید: «سحرى بخورید، زیرا در خوردن سحرى برکت است: براى روزه گرفتن روز از خوردن سحرى کمک بگیرد و براى قیام لیل (تهجد) از خوابیدن بعد از ظهر کمک حاصل کنید». براى روزه دار مستحب است که با خرما تازه افطار کند و در صورت عدم موجودیت آن با آب افطار نماید و در زمستان می‌تواند با خرماى خشک و در صورت عدم موجودیت آن با آب افطار کند تا معده آماده گردیده و غذایى را که بعدا خورده می‌شود بتواند هضم نماید. پس از آنکه شخص با خرما یا آب و غیره افطار کرد نماز شام را می‌خواند و بعد از آن غذا می‌خورد و پیامبرص فرموده است: «إِذا أَفطرَ أحدُكُم فليفطرْ على تَمْر، فَإِنَّهُ بركة، فَإِن لم يَجدْ تمرا فالماءُ، فَإِنَّهُ طَهور». «چون افطار کند یکى از شما پس افطار کند با خرما، پس چون نیافت پس افطار کند با آب زیرا پاک کننده است»[[25]](#footnote-25). براى روزه دار عجله در افطار و تأخیر در سحرى افضل می‌باشد زیرا پیامبرص فرموده است: «لاَ تَزَالُ أُمَّتِى بِخَيْرٍ مَا أَخَّرُوا السَّحُورَ وَعَجَّلُوا الْفطورَ». «همیشه امت من به خیر باشند تا وقتیکه به تاخیر اندازند سحرى را و شتاب کنند در افطار».

دعاى افطار:

«اللَّهُمَّ لَكَ صُمْتُ وَعَلَى رِزْقِكَ أَفْطَرْتُ» «خداوند! من براى تو روزه گرفتم و از رزقى که تو نصیبم کرده اى افطار نمودم»[[26]](#footnote-26). و یا این دعا: «بسمِ اللهِ والحمدُ للهِ اللهم لك صُمْتُ وعلى رزقك أفطرتُ وعليك توكلتُ سبحانك وبحمدك تقبل منى إنك أنت السميعُ العليمُ».

دعا بعد از افطار:

«ذَهَبَ الظَّمَأُ وَابْتَلَّتِ الْعُرُوقُ وَثَبَتَ الأَجْرُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ» «تشنگى زایل شد، رگ‌ها سیراب گشت، و اگر خداوند خواست اجر نیز خواهد رسید»[[27]](#footnote-27).

ثواب افطار دادن:

اگر شخصى به روزه دار افطار دهد آنقدر اجر و ثواب کمایى مى‌کند که نصیب روزه دار می‌شود، هر چند افطارى مذکور چند لقمه نان یا یک خرما باشد.پیامبرص فرموده است: «شخصى که روزه دارى را افطارى دهد او را اجر و ثواب مانند روزه دار است». (بیهقى).

امور باطل کننده روزه:

در باب مبطلات روزه آمده است: هر آنکسی که بدون عذر شرعى روزه را بخورد، اگر تمام عمر روزه هم بگیرد ثواب آنروز را بدست نخواهد آورد. امورکه روزه را باطل مى‌سازد عبارتند از: ۱- جماع در روز. ۲- انزال منى بشکل عمدى. (ولى اگر انزال در خواب صورت گیرد روزه‌اش فاسد نمى‌گردد). ۳- رسیدن چیزى (جامد باشد و یا مایع) به معده بطور عمدى باشد و یا غیر قصدى.۴- استعمال سگرت و یا سایر دخانیات.۵- گرفتن دواء از همه طرق موصوله به معده.

.مکروهات روزه:

اموری که روزه را مکروه مى‌سازد عبارتند از: لب زدن و یا در دهن گرفتن لب زن و یا برهنه ملاعبه کردن هر چند خطر انزال و جماع هم نباشد مکروه است.انجام امورى که اندیشه انسان را آنقدر ضعیف سازد که موجب شکستن روزه شود مکروه است.بیش از ضرورت شستن دهن و بینى.بدون دلیل لعاب دهن را جمع کردن و آن‌را فرو بردن.اظهار بى قرارى، اضطراب و اضمحلال.به غسل ضرورت داشته و موقع آن نیز میسر باشد، اما بدون دلیلى تأخیر کرده و بعد از صبح صادق غسل کند.چیز‌هاى مانند پودر دندان، کریم دندان، زغال و غیره را در دهن نگهداشتن و آن‌را با دندان فشار دادن.غیبت کردن، دروغ گفتن، دشنام دادن، غالمغال، لت وکوب نمودن و بر کسى ظلم کردن. قصدا گرد و غبار را در حلق جمع کردن روزه را مکروه مى‌سازد.

قضاء روزه:

معناى قضاء عبارت از یک روز روزه گرفتن بعد از ماه رمضان بجاى یک روز روزه‌یى که در ماه رمضان باطل گردیده، می‌باشد. قضاء روزه می‌شود در ایامى که گرفتن روزه در آن ممنوع نباشد صورت گیرد. قضاء روزه را إلى آغاز ماه مبارک سال نو می‌تواند بجا آورد. قضاء روزه می‌تواند پى در پى و یا متفرق صورت گیرد.

کفاره چیست؟

کفاره عبارت از جزاى شرعى می‌باشد که خداوند سبحانه تعالى آن‌را بر کسیکه بعضى از جرایم از او سرزند تعین فرموده است مانند، وجوب کفاره بر قاتل یا کسیکه سوگندش را مى‌شکند. کفاره بر روزه دار وقتى واجب می‌شود که عمداً روزه خود را فاسد نماید مثلاً اینکه جماع کند.کفاره دو ماه روزه پى در پى را می‌گیرد، در صورتیکه در این دوماه رمضان و روزه‌هایکه روزه در آن منع گردیده است نباشد. اگر به گرفتن دو ماه روزه نیز قادر نبود، به شصت مسکین طعام دهد. کفاره در روزه فرضى بوده در فساد روزه غیر رمضان کفاره وجود ندارد، اگر چه قضاى رمضان هم باشد.دادن طعام به ۶۰ مسکین، فقیر، محتاج، نه براى کسانى که نفقه ایشان بر او فرض باشد (مانند پدر، مادر، زن) همچنان می‌شود مقدار طعام را به پول نیز تادیه گردد و همچنان می‌توان همان مسکین را براى ۶۰ روز کامل طعام داد. (طعام شامل نان چاشت، شب و نان صبح می‌گردد).

فدیه:

اگر زن حامله و شیرده توانایى روزه گرفتن را نداشته و یا از آسیب دیدن کودکشان بیم داشته باشند، می‌توانند روزه نگیرند ولى باید فدیه بدهند و لاز م نیست روزه را قضا کنند. از ابن عباسب روایت است: «رُخِّصَ لِلشَّيْخِ الْكَبِيرِ وَالْعَجُوزِ الْكَبِيرَةِ فِى ذَلِكَ وَهُمَا يُطِيقَانِ الصَّوْمَ أَنْ يُفْطِرَا إِنْ شَاءَا وَيُطْعِمَا مَكَانَ كُلِّ يَوْمٍ مِسْكِينًا ، ثُمَّ نُسِخَ ذَلِكَ فِى هَذِهِ الآيَةِ: ﴿فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ ٱلشَّهۡرَ فَلۡيَصُمۡهُ﴾ وَثَبَتَ لِلشَّيْخِ الْكَبِيرِ وَالْعَجُوزِ الْكَبِيرَةِ : إِذَا كَانَا لاَ يُطِيقَانِ الصَّوْمَ ، وَالْحَامِلُ وَالْمُرْضِعُ إِذَا خَافَتَا أَفْطَرَتَا وَأَطْعَمَتَا مَكَانَ كُلِّ يَوْمٍ مِسْكِينًا». «به پیر مرد و پیر زنی که توانایى روزه گرفتن را دارند اجازه داده شد تا اگر خواستند روزه نگیرند و به بدل هر روز، مسکینى را غذا بدهند، و قضاى روزه بر آن‌ها لازم نیست، سپس؛ این حکم با آیه ﴿فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ ٱلشَّهۡرَ فَلۡيَصُمۡهُ﴾ نسخ شد ولى (آن حکم) براى پیر مرد و پیر زنى که توانایى روزه گرفتن را ندارند ثابت مانده است. همچنین زن حامله و شیرده‌ای که (بر حال خود یا طفل خود) بیم دارند مى‌توانند روزه نگیرند و به بدل هر روز، یک مسکین را طعام دهند»[[28]](#footnote-28). همچنین از ابن عباسب روایت است: «إذا خافت الحامل على نفسها، والمرضع على ولدها فى رمضان قال: يفطران، ويطعمان مكان كل يوم مسكيناً، ولا يقضيان صوماً». «اگر زن حامله از ضرر به جان خود و زن شیرده از ضرر به طفلش بیم داشت، مى‌توانند روزه رمضان را نگیرند و به جای هر روز مسکینی را طعام دهند و قضای روزه بر آن‌ها لازم نیست»[[29]](#footnote-29).

مقدار طعام واجب:

از انس بن مالکس روایت است: «أَنَّهُ ضَعُفَ عَنِ الصَّوْمِ عَامًا فَصَنَعَ جَفْنَةً مِنْ ثَرِيدٍ وَدَعَا ثَلاَثِينَ مِسْكِينًا فَأَشْبَعَهُمْ». «او سالى دچار ضعف شد بطوریکه نتوانست روزه بگیرد، پس کاسه‌ای ترید گوشت درست کرد و سى مسکین را دعوت نمود و آن‌ها را سیرکرد»[[30]](#footnote-30).

تبصره: فدیه شامل، طعام، غله، و قیمت آن هم می‌گردد، مقدار فدیه به اندازه صدقه فطر است.ولى اگر شخص از مرض بهبود یابد، قضائى روزه فوت شده بر او واجب است، خداوند پاک در مقابل فدیه او اجر و ثواب نصیب‌اش می‌گرداند. در غذا دادن (صبح و شام) معیار حد وسط غذایى می‌باشد که خود شخص در زندگى عادى خویش می‌خورد.

مساوات میان «گناه» و کفاره یا جزاء:

باید گفت که: منظور از مساوات میان «گناه» و «کفاره یا فدیه» مساوات عددى نیست، بلکه کیفیت عمل را نیز باید در نظر گرفت خوردن یک روز روزه ماه مبارک رمضان با آن اهمیت که دارد، جزاء‌اش یک روز کفاره نیست بلکه باید آن قدر روزه بگیرد که به اندازه احترام آن یک روز ماه مبارک شود؛ به همین اساس است که کفاره گناهان در ماه مبارک رمضان بیش از سایر ایام است و ثواب اعمال نیک هم بیشتر از سایر روز‌ها است.

ماه مبارک رمضان و نزول قرآن:

﴿إِنَّآ أَنزَلۡنَٰهُ فِي لَيۡلَةٖ مُّبَٰرَكَةٍۚ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ ٣ فِيهَا يُفۡرَقُ كُلُّ أَمۡرٍ حَكِيمٍ ٤﴾ [الدخان: 3-4]. «ما قرآن را در شبى مبارک نازل نموده‌ایم زیرا همواره هشدار دهنده و انذار کننده بوده‌ایم. در آن شب مبارک هر امرى طبق حکمت خداوند تنظیم مى‌شود». مبا رک: از ماده برکت گرفته شده است. یعنى شب پر از رحمت، شب بسیار مفید و سودمندى، که درآن فراخى و زیادى نعمت و روزى وجود می‌داشته باشد.همچنان خداوند پاک می‌فرماید: ﴿شَهۡرُ رَمَضَانَ ٱلَّذِيٓ أُنزِلَ فِيهِ ٱلۡقُرۡءَان﴾ [البقرة: 185]. «ماه رمضان ماهی است که در آن قرآن فرود آورده شده است». بناءً حکم مطلق همین است که شب قدر در ماه مبارک رمضان است. شبى است که در آن قرآن عظیم الشان که مبدا تمام خیرات و برکات و سرچشمه تمام نیکى‌ها و خوبى‌ها است، نزول یافته است. شب قدر، شبى است، که مقدرات جهان بشریت با نزول قرآن در آن استحکام مى‌پذیرد و مشخص مى‌گردد. مفسرین اسلام نزول قرآن را بردو قسم: ۱- نزول دفعى و کلى ۲- نزول تدریجى تقسیم می‌نمایند: نزول دفعى یعنى قرآن بطور کامل در شب قدر بر قلب رسول اکرمص نازل گردیده است و نزول تدریجى عبارت از نزولى است که: قرآن در مدت بیست و سه سال به تدریج و به مناسبت‌ها و طبق رویدادها بر پیغمبر اسلام محمدص نزول یافته است.

لیلة القدر:

﴿إِنَّآ أَنزَلۡنَٰهُ فِي لَيۡلَةِ ٱلۡقَدۡرِ ١ وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا لَيۡلَةُ ٱلۡقَدۡرِ ٢ لَيۡلَةُ ٱلۡقَدۡرِ خَيۡرٞ مِّنۡ أَلۡفِ شَهۡرٖ ٣﴾ [القدر: 1-3]. «به تحقیق ما فرود آوردیم قرآن را در شب قدر. و چه چیز مطلع ساخت ترا که چیست شب قدر. شب قدر بهتر است از هزار ماه». خداوند پاک می‌فرماید: ﴿شَهۡرُ رَمَضَانَ ٱلَّذِيٓ أُنزِلَ فِيهِ ٱلۡقُرۡءَانُ﴾ [البقرة: 185]. «ماه رمضان ماهی است که در آن قرآن فرود آورده شده است». و در سوره قدر می‌خوانیم: ﴿إِنَّآ أَنزَلۡنَٰهُ فِي لَيۡلَةِ ٱلۡقَدۡرِ﴾ «ما آن را در شب قدر نازل کردیم». بناء حکم مطلق همین است که شب قدر در ماه مبارک رمضان است.

معناى قدر:

قدر به معناى اندازه کردن، معین نمودن و فیصله کردن آمده است. یعنى ليلة القدر شبى است که خداوند متعال در آن هر چیزى را صحیحاً اندازه مى‌نماید. و وقت آن‌را تعیین مى‌کند و احکام را نازل مى‌فرماید و تقدیر هر چیزى را مقرر مى‌نماید. ﴿فِيهَا يُفۡرَقُ كُلُّ أَمۡرٍ حَكِيمٍ ٤ أَمۡرٗا مِّنۡ عِندِنَآ﴾ [الدخان: 4-5]. «فیصله کرده می‌شود هر کار استوار آن، فرود آوردیم آن‌را به وحى کردن از نزد خویش».

لیلة القدر درکدام یکى از شب‌هاى رمضان می‌باشد:

حضرت ام المومنین عائشهل مى‌گوید: که پیامبر فرموده است: «ليلة القدر را در ده شب آخر رمضان در شب‌هاى طاق جستجو کنید»[[31]](#footnote-31). ولى به هر حال براى مسلمانان بهتر این است که هر شب ماه مبارک را به احتمال این که شب قدر باشد، به عبادت و قرائت قرآن و دعا بگذرانند و دعا خویش را منحصر به سه و یا چهار شب و یا هم شب‌هاى طاق نسازند.

دعاى لیلة القدر:

بى بى عایشهل مى‌گوید: که به پیامبرص عرض کردم که اى پیامبر خدا! اگر من در بیابم که کدام شبى ليلة القدر است که در این شب به خداوندأ چه دعا کنم: فرمود: بگو: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ عَفُوٌّ كَرِيمٌ تُحِبُّ الْعَفْوَ فَاعْفُ عَنِّى». «خداوندا! تو بسیار عفو کننده و بسیار صاحب کرمى، عفو نمودن را مى‌پسندى، پس خطاهاى مرا عفو کن».

اى خواجه چه جوى از شب قدر نشانى = هر شب، شب قدر است اگر قدر بدانى. (سعدى شیرازى).

ارمغان‌هاى رمضان:

تلاوت، تعلیم و تعلم قرآن مجید، تحقیق و تتبع در امورات و عرصه‌هاى اسلامى و آشنایى با سیرت پیامبر اسلام و صحابه کرام و تاریخ اسلامى، اقامه نماز‌ها، و اداى تراوایح با ختم قرآن عظیم الشان، عادات به نوافل و نماز‌هاى سنتى، افزایش صدقات، انفاق و تقویت روح گذشت و احسان، صله رحمى و رسیدگى به خویشاوندان، دعا و نیایش بیشتر، امر به معروف و نهى از منکر، توبه و بازگشت از لغزشها و گناهان،ماه رمضان، ماه بازگشت به زلال طبعیت و فضاى پاکیزه فطرت و تمرین آزادگى از «خور و خواب و خشم و شهوت» است. ماه رمضان هزاران گوهر گرانبها به انسان‌ها هدیه کرده و مى‌کند، ولى سه گوهر «آزادى»، «آگاهى» و «عشق الهى» از در خشانترین هدیه‌هاى این ماه بشمار می‌رود. روزه انسان را از سلطه هوس‌ها، و نیاز‌هاى کاذب، و تحملیى و افراط در نیاز‌هاى واقعى، آزاد مى‌کند و به انسان «آزادى اراده» مى‌بخشد. انسان در سایه رمضان با «معارف عالی قرآنى» آشنا مى‌شود و با بهترین رهنمود‌هاى زندگى انس مى‌گیرد. دستیابى به سعادت جاویدانى و رهایى از همه رنج‌هاى دنیوى و اخروى، بدون «گوهر تقوا» مقدور نیست و رمضان مبارک این گوهر آسمانى را به روزه داران مى‌بخشد.پاسدارى و نگهبانى از این «گوهر آسمانى» نیاز به هوشیارى، مراقبت و همکارى همگانى دارد.

اهمیت روزه در تناسب با نماز:

زن در حال حیض و نفاس هم نماز و هم روزه را ترک می‌کند، ولى بعد از مریضى فقط روزه را قضاء مى‌آورد. و یا اگر کسى علناً نماز نخواند، حد شرعى ندارد، ولى اگر روزه را علنى بخورد حد بر او جارى مى‌شود. همچنان خداوند پاک فرموده است: «أنا أجزى به» یا «أنا أُجزى به» یعنى: «من پاداش روزه را مى‌دهم، یا من پاداش روزه‌اى روز دار هستم» در حالى که در باره نماز چنین چیزى نفرموده است.

فلسفه و حکمت فرضیت سى روز روزه در یک سال:

روایت است زمانیکه حضرت آدم÷ در جنت از درختى که از آن منع شده بود، به اندازه از آن تناول کرده بود، که تا به سى روز غذا آن در شکمش وجود داشت، به همین اساس خداوند پاک بر بندگان و فرزندان حضرت آدام تا روز قیامت سى روز روزه را در یک سال فرض نموده است.

پیام رمضان به روزه‌داران:

جلاى ذهن و صفاى ضمیر توأم با کار و تلاش و آهنگ «قرب‌جویى» در استفاده از انوار رمضان و انعکاس فروغ آن نقش فروان دارد. پیغمبر اسلام می‌فرماید: «رمضان را بخاطر آن رمضان مسمى نمودند که: در آن گناهان مى‌سوزند، دروازه‌هاى آسمان در اولین شب رمضان به روى روزه داران گشوده می‌شود و تا آخرین شب آن باز مى‌باشد». ماه رمضان ماه دعا، ماه نیایش، ماه ایمان و آگاهى از آزادى است، ماه رمضان ماهى است که براى انسان درس سازندگى، رمز مقاومت و پایدارى، رمز صبر و تحمل، رمز سعادت و نیک بختى را مى‌آموزند.پیام رمضان پیام تقوا و پرهیزگارى، پیام نوسازى معنوى و فرهنگى است.پیام ماه رمضان پیام خوش رفتارى، پیام عفو وگذشت است.پیام رمضان، پیام آزادى از عادت‌هاست، رمضان ماهى است که انسان را از زنجیر اعتیاد، عادت‌ها خوردنى، خواندنى، شنیدنى، نوشیدنى، دیدنى رها مى‌بخشد. پیام رمضان پیام بیدارى از خواب غفلت و رهایى انسان از دام شهوت است، پیام رمضان پیام آگاهى از عرفان و عروج بشریت است. ماه رمضان ماه تنظیم جهت گیرى انسان و تقویت ایمان و تحکیم برادرى بر محور قرآن است.پیام رمضان پیام سلامتى، پیام دوستى، پیام اخوت، پیام امنیت، و ایمان، و در نهایت پیام آزادى می‌باشد. ماه رمضان ماه توبه است توبه از رقابت‌ها و حسادت‌ها است.ماه توبه از بد گمانى‌ها نسبت به مؤمنان و حسن ظنى که در حق کفار و منافقان نشان دادیم. بلى ماه رمضان ماه بازگشت به قرآن و تنظیم کامل افکار و اخلاق و رفتار انسان.پیام رمضان، پیام تقوا و پارسایى و نداى بلند نو سازى معنوى و فرهنگى است. پیام رمضان، پیام آزادى انسان از زنجیر غرائز و هوس‌هاى شیطانى و به بند کشیدن شیاطین، توسط فرشتگان الهى است. نکات ذیل براى آگاهى مسایل روزه بى نهایت مهم است:

انصراف از تصمیم روزه:

اگر روزه دار از تصمیم روزه خویش در روز روزه منصرف شود. در صورتیکه افطار هم نکند، روزه آن فاسد می‌گردد.

اهانت و توهین به روزه:

اگر کسى بدون عذر شرعى روزه را بخورد، به ماه مبارک رمضان توهین شمرده می‌شود کنهکار بوده قضاء و کفاره آن‌را باید بپردازد. ولى اگر اهانت در یک روز چند بار تکرار گردد، قضاء روزه را بجا آورد و کفاره تکرار نمى‌گردد.

استعمال سرمه و قطره چکان:

استعمال سرمه (اگرچه سیاهى آن در بلغم هم دیده شود) و یا قطره چکان چشم، و ادویه جلدى و مرهم باب زخم، بدن خود را به تیل چرپ کردن، استعمال گیل موى و استعمال عطریات و خوش بوى، روزه را فاسد نمى‌سازد. در کتب احادیث آمده است: که در ایام ماه مبارک رمضان یکى از صحابه که از درد چشم سخت مى‌نالید نزد آنحضرتص آمد و براى آنحضرت گفت: که چشمم سخت درد می‌کند اجازه دارم که سرمه استعمال نمایم، آنحضرت در جواب‌اش گفت: بلى می‌توانى سرمه را استعمال نمایى. همچنان در حدیث از ام المؤمنین عائشهل روایت گردیده است: «أَنَّ النَّبِيَّص اكْتَحَلَ فِي رَمَضَانَ وَهُوَ صَائِمٌ». «پیامبراسلامص سرمه کرد در رمضان در حالیکه روزه بود»[[32]](#footnote-32). هکذا باید گفت که: چشم منفذ براى معده نمى‌باشد. ولى برخى از فقهاء به این نظر‌اند که بهتر و احسن است که استعمال همچو اشیاء در شب صورت بپذیرد. گرفتن ناخن و استعمال مواد بر آن (رنگ ناخن و استعمال آرایش براى زنان) روزه را فاسد نمى‌سازد.

تبصره: استعمال خوش بوى، چرب کردن موى سر و پوست، استعمال قطره و تزریق امپول چون دلیل بر تحریم آن‌ها در شرع وجود ندارد. پس استعمال آن در روزه مباح می‌باشد.

زرق یا پیچکارى:

زرق یا «پیچکارى» و انواع واکسین که در عضله باشد و یا ورید خون باشد و یا گلوکوز (مطابق فتواى علماى دیوبند هندوستان و جامع الأزهر مصر) روزه را فاسد نمى‌سازد. ولى نقطه قابل دقت و توجه آنست که اگر این پیچکارى یا واکسین «به منظور تغذیه صورت گیرد، و روزه دار را از آب و خوراک بی‌نیاز سازد و هدف از آن تغذیه و احساس نکردن گرسنگی باشد، این نوع پیچکاری روزه را باطل می سازد. بنابر این گفته می‌توانیم هر چیزی که به نوعی کار تغذیه را انجام دهد شکننده‌ای روزه محسوب می‌شود. اما آنعده از پیچکاری‌های که: کار تغذیه را انجام نمی‌‌دهند و انسان را از آب و از خوراک بی‌نیاز نمی‌سازند، این نوع پیچکاری‌ها روزه را باطل نمی‌سازد، چون نصوص شرعی شامل آن‌ها نمی‌شود، نه به اعتبار الفاظ و نه به اعتبار معانی، و حتى اگر آمپول بیحسى دندان نیز باشد بازهم روزه را باطل نمی‌کند زیرا بمعناى خوراک و آشامیدنى نیست. پس این نوع پیچکاری‌ها نه خوراک هستند نه آب و نه در معنای آب و خوراک. اصل صحت روزه است مگر آنکه دلیل فساد آن به اثبات برسد که در این جا به اثبات نرسیده است. همچنان پانسمان کردن زخم‌ها روزه را باطل نمى‌کند. ولى اگر زخم عمیق در شکم که دوا به معده برسد، در این صورت روزه مى‌شکند.

حجامت:

حجامت یا خون گرفتن (از سر و یا هر عضو دیگر بدن به قصد علاج در مضان) روزه را فاسد نمى‌سازد.از ابن عباسب روایت است: «احْتَجَمَ النَّبِيُّ ص وَهُوَ صَائِمٌ». «پیامبرص در حالى که روزه بود حجامت کرد»[[33]](#footnote-33). ولى اگر بیم ضعف و سستى وجود داشت، حجامت مکروه است: از ثابت بنانی روایت است: «سُئِلَ أَنَس: أَكُنْتُمْ تَكْرَهُونَ الْحِجَامَة لِلصَّائِمِ ؟ قَالَ : لَا , إِلَّا مِنْ أَجْل الضَّعْف». «از انس بن مالک سؤال شد آیا شما حجامت را براى روزه دار مکروه مى‌دانستید؟ گفت: نه، مگر به خاطر ضعف و سستى»[[34]](#footnote-34). (صحیح امام بخاری: ۴/ ۱۷۴- ۱۹۴۰).

غسل جنابت و یا غسل تبرد:

غسل جنابت و یا غسل تبرد از گرمى، اگر روزه دار در ایام روزه غسل نماید، و یا بخاطر دفع برودت هواى گرم را اشتنشاق نماید روزه‌اش فاسد نمى‌گردد. در حدیث شریف از ابوبکر بن عبدالرحمن روایت است: «رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِص يَصُبُّ الْمَاءَ عَلَى رَأْسِهِ مِنَ الْحَرِّ وَهُوَ صَائِمٌ». «دیدم پیامبرص را که مى‌ریخت آب را بر سر خود از گرمى در حالیکه روزه دار بود»[[35]](#footnote-35). همچنان اگر روزه دار براى دفع تشنگى غسل نماید، در صورتیکه آب به معده او داخل نگردد، روزه‌اش فاسد نمی‌‌گردد.

حکم بوسه کردن در روزه:

از ام سلمهل روایت شده است: «أن النبىص كان يقبل وهو صائم». «پیامبرص بوسه می‌کرد در حالیکه روزه مى‌بود»[[36]](#footnote-36). از عائشهل روایت شده است که: «كان رسول اللهص يُقَبِّلُ وَهُوَ صَائِمٌ وَيُبَاشِرُ وَهُوَ صَائِمٌ وَكَانَ أَمْلَكَكُمْ لإِرْبِهِ» «پیامبر اسلامص مى‌بوسید در حالیکه روزه مى‌بود و مباشره می‌کرد در حالیکه روزه مى‌بود، اما آنحضرتص از همۀ شما در کنترل غرايز خويش، قوی‌تر بود»[[37]](#footnote-37). در مورد این که بوسه روزه را باطل نمى‌سازد، هیچگونه اختلاف نمى‌باشد. ولى اگر این بوسه، هدف و مقصود روزه را براى روزه دار متزلزل سازد فقهاء نظریات خاص خویش را در مورد ابراز داشته‌اند. که توجه شما را به حدیث متبرکه که از ابى‌هریرهس روایت گردیده است جلب می‌نمایم: ابى هریرهس فرموده است: «أن رجلاً سأل النبىص من المباشرة للصائم فرخص له وأتاه آخر فنهى عنها، فإذا الذى رخص له شيخ وإذا الذى نهاه شاب». «مردى پرسید از پیامبرص از مباشرت روزه‌دار، پس رخصت داد او را وآمد مرد دیگرى پس منع کرد او را از آن. پس کسیکه رخصت داد او را پیر بود و کسی که منع کرد او را جوان بود»[[38]](#footnote-38). فقهاء می‌گویند: براى کسیکه پیامبرص بوسه را جایز دانسته، آن شخص، شخص پیر بود و براى آن کسیکه آن‌را از بوسه نهى فرمود آن شخص، شخص جوان بود. با در نظر داشت همین تعبیر‌ها از حدیث متبرکه برخى از فقهاء بوسه را براى پیرها جواز شمرده و براى جوانان و یا کسانیکه قدرت اداره خود را ندارند جایز نه شمرده‌اند. اما در مورد مداعبه با همسر هنگام روزه، در صورتیکه جماع و یا انزال منى صورت نگیرد اشکالى ندارد، طوریکه در حدیث متبرکه از عایشهل روایت شده است که گفت: «پیامبرص هنگام روزه (زنش) را بوسه می‌داد و ملاعبه می‌کرد»[[39]](#footnote-39). لذا ملاعبه بین زوجین هنگام روزه جائز است ولى بشرطى که زوجین متأکد باشند که این ملاعبه‌شان به جماع منجر نشود و یا منى انزال نشود وگرنه اگر در برابر شهوت ضعیف باشند این امر براى آن‌ها جائز نیست و باید دورى کنند.

1. - رواى حدیث بخارى و مسلم. [↑](#footnote-ref-1)
2. - صحیح مسلم: ۱/۴۵-۲۰-۱۶)،صحیح امام بخاری: ۱/۴۹ / ۸. [↑](#footnote-ref-2)
3. - فقه السنة: ۱/۳۶۶. [↑](#footnote-ref-3)
4. - بخارى: ۴/۱۱۹/۱۹۰۹. [↑](#footnote-ref-4)
5. - صحیح سنن ابو داود: ۲۱۲۵، صحیح مسلم: ۲/ ۸۲۲/۱۱۶۴، سنن الترمذى: ۲/۱۲۹/۷۵۶، سنن ابن ماجه: ۱/ ۵۴۷ /۱۷۱۶. [↑](#footnote-ref-5)
6. - صحیح مسلم: ۲/ ۸۱۸/۱۱۶۲. [↑](#footnote-ref-6)
7. - صحیح امام بخارى، فتح البارى: ۴/ ۲۳۶/۱۹۸۸، صحیح مسلم: ۲/۷۹۱/۱۱۲۳، سنن ابود داود، ابن المعبود: ۷/ ۱۰۶/۲۴۲۴. [↑](#footnote-ref-7)
8. - صحیح سنن ابو داود: ۲۱۳۶)، صحیح مسلم: ۲/۷۹۷/۱۱۳۴. [↑](#footnote-ref-8)
9. - صحیح امام مسلم: ۴/ ۲۱۳/۱۹۶۹)، صحیح امام مسلم: ۱۱۵۶/۸۱۰ /۱۷۵)، سنن ابو داد: ۷/ ۹۹/ ۲۴۱۷. [↑](#footnote-ref-9)
10. - صحیح سنن ابو داود: ۲۱۲۸. [↑](#footnote-ref-10)
11. - سنن الترمذى: ۲/ ۹۷/۶۸۱)، سنن ابو داود: ۶/ ۴۵۷/۲۳۱۷. [↑](#footnote-ref-11)
12. - احمد، بخارى، مسلم. [↑](#footnote-ref-12)
13. - صحیح امام بخارى: ۴/ ۲۳۸/۱۹۹۰، صحیح امام مسلم: ۲/ ۷۹۹/۱۱۳۷. [↑](#footnote-ref-13)
14. - صحیح امام بخارى: ۴/ ۲۳۲/۱۹۸۵، صحیح امام مسلم: ۲/ ۸۰۱/۱۱۴۴، سنن ابوداود: ۷/ ۶۴/۲۴۰۳. [↑](#footnote-ref-14)
15. - سنن ابو داود: ۷ /۶۶/۲۴۰۴، سنن الترمذى: ۲/۱۲۳/۷۴۱. [↑](#footnote-ref-15)
16. - صحیح امام بخاری: ۴/۱۲۷/۱۹۱۴، صحیح امام مسلم: ۲/ ۷۶۲/۱۰۸۲. [↑](#footnote-ref-16)
17. - فقه السنة: ۱/۵۰۶ ط الریان. [↑](#footnote-ref-17)
18. - صحیح جامع صغیر: ۳۵۱۴، سنن الترمذى: ۲/ ۱۰۲/۶۹۳. [↑](#footnote-ref-18)
19. - روایت طبرانی در المعجم الكبير 2/ 1116، و دار قطنی 1/ 387، و بیهقی 3/ 13. [↑](#footnote-ref-19)
20. - التلخيص الحبير 2/46. [↑](#footnote-ref-20)
21. - فتح الباري 2/ 566. [↑](#footnote-ref-21)
22. - احمد، ابوداود، ابن ماجه، ترمذى. [↑](#footnote-ref-22)
23. - صحیح سنن الترمذی: ۶۳۰، صحیح مسلم: ۱/ ۲۶۵/۳۳۵، سنن ابو داود: ۱/۴۴۴/۲۶۰ و ۲۵۹. [↑](#footnote-ref-23)
24. - مسلم: ۲/ ۷۸۷/۶۹- ۱۱۱۶، سنن الترمذى: ۲ /108- ۷۰۸. [↑](#footnote-ref-24)
25. - متفق علیه. [↑](#footnote-ref-25)
26. - رواى حدیث شریف: ابوداود. [↑](#footnote-ref-26)
27. - رواى حدیث شریف: ابوداود. [↑](#footnote-ref-27)
28. - بیهقى: ۴/ ۲۳۰. [↑](#footnote-ref-28)
29. - شیخ البانى در کتاب الإرواء ۴ /۱۹ اين حديث را به طبرى [۸ ۲۷۵] نسبت داده و گفته است: سند آن به شرط مسلم صحیح است. [↑](#footnote-ref-29)
30. - الإرواء ۴/۲۰، دارقطنى: ۲/ ۲۰۷/۱۶. [↑](#footnote-ref-30)
31. - رواى حدیث شریف: امام بخارى. [↑](#footnote-ref-31)
32. - رواى حدیث ابن ماجه. [↑](#footnote-ref-32)
33. - سنن ابو داود: ۲۰۷۹، صحیح امام بخاری: ۴/ ۱۷۴- ۱۹۳۹، سنن ابو داود: ۶/ ۴۹۸- ۲۳۵۵. [↑](#footnote-ref-33)
34. - به کتاب [↑](#footnote-ref-34)
35. - سنن ابو داود: ۲۰۷۲، وعون المعبود: ۶/۴۹۲- ۲۳۴۸. [↑](#footnote-ref-35)
36. - متفق علیه. [↑](#footnote-ref-36)
37. - فتح البارى: ۴ /۱۴۹- ۱۹۲۷، صحيح مسلم: ۲/ ۶۵- ۷۷۱- ۱۱۰۶. [↑](#footnote-ref-37)
38. - ابوداود. [↑](#footnote-ref-38)
39. - صحیح بخارى: 1927، و صحیح مسلم: 1106. [↑](#footnote-ref-39)